

یادداشت

• کمیل طیبی •

ضرورت آسان سازی فرایندهای بیمه پردازی

بیکاری و تورم، دو مشکل مزمن و کهنه در اقتصاد کشور ما هستند که هر از چندگاهی، آثار منفی آن‌ها به طور جد در اقتصاد دیده می‌شود و اقتصاد را به مرز بحران می‌برد. طی چند ماه اخیر نیز به دلیل نوسانات شدید نرخ ارز و افزایش بی‌سابقه آن، بازار کار تحت‌تاثیر قرار گرفت و بخشی از مشاغل از چرخه فعالیت خارج شد. بسیاری از کارخانه‌ها از ترس مشکلات حاصل از کمبود نقدینگی و افت سودآوری، ناگزیر از تعدیل نیرو شده‌اند و برخی هم با کمترین ظرفیت، ادامه فعالیت می‌دهند. سعی برخی از شرکت‌های نوپا هم این است که با اعطای حداقل دستمزد، همچنین با حداقل نیروی کار، واحد تولیدی را سر پا نگه دارند، بنابراین بازبات این وضعیت، کاهش تعداد بیمه‌شده‌ها و افزایش شاغلانی است که زیر سقف تعیین‌شده برای حداقل دستمزد کار می‌کنند و از انجایی که شرایط اقتصادی، خیلی نامساعد است و ترس از بیکاری بر نیروی کار غلبه پیدا کرده، به همین میزان دستمزد و شرایط نیز از سر ناچاری رضایت می‌دهند. به عبارتی، نیروی کار در حالی به دستمزدهای توافق‌ی برای تضمین شغل و امنیت شغلی تن داده که در غیر این صورت باید با افتی که در ارزش پول ملی پیش آمده، نگران تامین ضروری‌ترین نیازهای خود و ادامه حیات باشد. براینـد این امر، کاهش تعداد بیمه‌پردازها و به حاشیه رفتن سازمان تامین اجتماعی به‌عنوان نهاد مدافع نیروی کار است. اگرچه باید تاکید کرد که رکود تورمی، به

خودی خود بازار را در رکودی جدید خواهد برد و زرنه نامتعادل نیروی شاغل و بیکار را بیش از پیش به ضرر نهادهای حمایتی و بیمه‌گر مثل سازمان تامین اجتماعی، نامتعادل خواهد کرد. در این حالت ورودی‌های سازمان تامین اجتماعی به واسطه کاهش نیروی کار، تقلیل پیدامی‌کندو منابع سازمان کم می‌شود. متأسفانه بازار کار بر اثر نوسانات اقتصادی یا بحران‌های مشابه، دچار تلاطماتی مخرب شده و از انجایی که بخشی از نیروی کار، جزء اتباع بیگانه هستند؛ این بازار کنشش لازم برای پاسخ‌گویی به حجم تقاضای کار را نداشته است. در این راستا، مهم‌ترین نقشی که رسانه‌ها و نهادهای حمایتگر دارند، مشاوره و ارتقای دانش اقتصادی و بینش مدیریتی کسب‌وکارهاست که بتوانند خود را با شرایط جدید با اطمینان از اینکه از آن گذر خواهند کرد، هماهنگ کنند. نوآوری نیز مهم‌ترین راهکار برای حمایت از کسب‌وکارها و بنگاه‌های اقتصادی است که خودبه‌خود سایه برخی از هزینه‌ها را از سر آن‌ها کم می‌کند. همچنین اصلاح قوانین کسب‌وکار، آسان‌سازی ضوابط بین عرضه و تقاضای بازار کار از جمله راهکارهای یاری‌بخش هستند. نقش سازمان تامین اجتماعی به‌عنوان یک نهاد اصلی در حمایت از نیروی کار و جامعه کارگری، تلاش برای تامین امنیت درآمدی و رفاهی نیروی کار است. بخشی از منابع از دست رفته این سازمان باید به آن بازگردانده شود تا در ارتقای سلامت و درمان نیروی کار، گام‌های مطمئن‌تری بردارد. اطمینان به اینکه بحران تمام می‌شود و سازمان تامین اجتماعی در برابر شرایط دشوار، مدافع و حامی نیروی کار است، روند بیمه‌پردازی را بهتر می‌کند. به عبارتی، نیروی کار باید به سازمان تامین اجتماعی و نهادهای بیمه‌گر و کمک‌های واسطه‌گرایانه آن‌ها در زمان بیکاری با پرداخت بیمه بیکاری و حقوق و دستمزد، مطمئن باشد هرگونه تردید یا مانعی در این مسیر، انگیزه پرداخت حق بیمه را از کارگران و کسانی که تازه وارد بازار کار شده، می‌گیرد. البته اصلاح برخی از قوانین در بحث بیمه تامین اجتماعی نیز فرایند بیمه‌پردازی را بهتر می‌کند. برای مثال، بهتر است شرایط پرداخت حق بیمه برای کسانی که از نظر جسمی دارای معلولیت بوده یا از نظر اجتماعی دارای محدودیتی‌هایی هستند، راحت‌تر شود. با این کار می‌شود بخشی از زنان سرپرست خانوار و افرادی که در مشاغل غیررسمی، مشغول به فعالیت هستند را وارد سازمان تامین اجتماعی کرد و در لیست بیمه‌شدگان قرار داد.

کارشناس اقتصادی

برگزاری مزایده سه شرکت متعلق به شستا

مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری سازمان تامین اجتماعی از برگزاری سه مزایده عمومی خبر داد. به گزارش «ایلنا»، مرتضی لطفی، مدیرعامل شستا از مزایده عمومی سه شرکت زیرمجموعه شستا خبر داد و گفت: «سه واحد تولیدی و صنعتی «لطیف»، «حریر» و «شیرین دارو» به مزایده عمومی گذاشته شد.» وی ادامه داد: «با فولاد خوزستان نیز برای واگذاری «فولاد اکسین» تفاهم‌نامه‌ای امضا کرده‌ایم.» مدیرعامل شستا افزود: «همچنین برای واگذاری سهم شرکت رایتل با ستاد اجرای فرمان امام‌خمینی (ره) به تفاهم رسیده‌ایم.»



۰۴ | کتینه نو

• یادداشت •

• سید احمد قاسمی •

شرایط کنونی اقتصاد و افزایش بیکاری و کاهش بیمه‌پردازی رانمی‌توان با فرمول‌های فوری و نگاه غیرعلمی به موضوع اشتغال حل کرد. ما می‌توانیم مُسکن‌هایی برای وضع موجود تزریق کنیم. ایران، کشوری است که دارای سرمایه قابل توجه در حوزه نفت، کشاورزی و معادن و دارای بازار بزرگ ۸۰ میلیونی داخلی و بیش از ۲۵۰ میلیون در همسایگی خود است. این کشور دارای منابع انسانی هوشمند و تحصیل کرده و واجد فرهنگ کار و تلاش است. همه این‌ها مغایر با مسئله‌ای به‌نام افزایش نقدینگی است. در حالت طبیعی نه تنها نباید مشکل نقدینگی در جامعه باشد، بلکه جذب سرمایه و نقدینگی به تولید باید چنان باشد که حتی سرمایه‌گذاری در ایران برای سرمایه‌گذاران خارجی جذاب باشد و این به معنی قابلیت توسعه اشتغال در جامعه بیش از ظرفیت منابع انسانی موجود است. بخش اعظم منابع اقتصادی ایران توسط دولت مدیریت می‌شود و میزان بهره‌وری دولت کمتر از هفت‌درصد است. بسیاری از فعالیت‌ها در کشورها توسط دولت در قالب مقررات

مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری سازمان تامین اجتماعی از برگزاری سه مزایده عمومی سه شرکت زیرمجموعه شستا خبر داد و گفت: «سه واحد تولیدی و صنعتی «لطیف»، «حریر» و «شیرین دارو» به مزایده عمومی گذاشته شد.» وی ادامه داد: «با فولاد خوزستان نیز برای واگذاری «فولاد اکسین» تفاهم‌نامه‌ای امضا کرده‌ایم.» مدیرعامل شستا افزود: «همچنین برای واگذاری سهم شرکت رایتل با ستاد اجرای فرمان امام‌خمینی (ره) به تفاهم رسیده‌ایم.»

اقتصاد ایران ومیلیون‌ها فرصت شغلی ناشناخته!

ندارد. تا زمانی که دولت از تصدی‌گری دست بر ندارد و صرفاً نقش سیاست‌گذاری و حمایت را برعهده‌نگیرد، این بستر فعال نخواهد شد. اقتصاد اوقات فراغت که شامل کسب‌وکارهای حوزه ورزش، فرهنگ و گردشگری است، در دنیا حجم زیادی با این نوع نگاه اقتصادی، اشتغال‌زایی و جذب سرمایه شده است که البته در کشور ما هزینه‌بر محسوب می‌شود. مدیریت دولتی در ایران مبتنی بر مدیریت هزینه است و هیچ تجربه موفق در زمینه مدیریت درآمد ندارد، لذا نتیجه تصدی‌گری دولت، عدم توجه به هزاران میلیارد دلار فرصت مناسب برای اشتغال و سرمایه‌گذاری است. در ایران کمتر از سه هزار عنوان شغل وجود دارد که ارزش اقتصادی آن تعریف شده در حالی که در مدیریت اقتصادی دنیا که مبتنی بر مدیریت عرضه و تقاضا و تامین نیاز مشتری است، بیش از سه میلیون عنوان شغلی تعریف شده که حتی در ایران بخش عمده آن‌ها شنیده نشده است. یک نکته دیگر اینکه در ایران توجهی به مشاغل خدماتی و مشاغل ایده‌محور که بیش از ۸۰ درصد از مشاغل و درآمد ناخالص ملی را شامل می‌شود، نشده است. نسبت مشاغل مذکور در دنیا ۱۰ درصد تولید کالا و ۶۰ درصد خدمات و ۳۰ درصد ایده است، ولی در ایران ۹۰ درصد کالا و

آزادسازی اقتصاد تخصیص‌پذیر و رقابت‌پذیر شده و برای سرمایه‌گذاری در معرض دید مردم گذاشته می‌شود که از آن جمله می‌توان به حوزه‌های خدماتی مربوط به خدمات اداری تا خدمات حوزه شبکه‌های مجازی، از خدمات گردشگری تا خدمات نگهداری منابع طبیعی و از تامین امنیت شهری و جاده‌ای تا امنیت دریاها و مرزها اشاره کرد. در حوزه تولید محصول نیز کشورهای توسعه‌یافته برای ورود بخش خصوصی برنامه‌ریزی کرده و تمامی منابع ارضی و سرمایه‌ای را به بخش خصوصی واگذار می‌کنند. ضمناً باتلوین طرح بازاریابی با مطالعه نیاز بازار به زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مربوط به بسترهای سرمایه‌گذاری پرداخته و با تشخیص مزیت‌های رقابتی، مطلق و نسبی محصولات اعم از کالا یا خدمات با ایده‌ها شرایط کامل و اطمینان‌بخشی را برای سرمایه‌گذاران فراهم می‌کنند. ما ظرفیت ایجاد این بستر را در حوزه کالا و خدمات تا چند صد میلیارد دلار داریم و در حوزه ایده بیش از این‌ها ظرفیت اشتغال‌زایی و جذب نقدینگی داریم. در حال حاضر برای ارزیابی و شروع یک کسب‌وکار بزرگ، سال‌ها وقت نیاز داریم و به دلیل عدم تعهد دولت در تضمین حمایت از سرمایه‌گذاری‌ها تمایلی برای ورود وجود

زیر پروبال کسب‌وکارهای کوچک را بگیریم



مالیاتی و پولی و اعطای تسهیلات به خانواده‌های کم‌درآمد با شرایط آسان، در کاهش التهاب بازارکار، موثر است. از انجایی که نقش آفرینی سازمان‌های حمایت‌گر و بیمه‌ای به مثابه سازمان تامین اجتماعی وابسته به یک سری تصمیم‌گیری‌ها از جانب دولت‌هاست، تضمین حقوق بیمه‌شدگان نیز در گرو پرداخت مطالبات سازمان تامین اجتماعی از سوی دولت است. در صورتی که بدهی‌های این سازمان پرداخت شود، خدمات بیمه‌ای و درمانی سازمان نیز وارد مرحله جدی‌تر و بهتری می‌شود و گرنه اختلال در این امر، به معنی اختلال در پرداخت به‌موقع حقوق بیمه‌شدگان و عمل نکردن به وظایف سازمانی توسط این نهاد است. با توجه به این مسئله مهم که در شرایط بی‌ثبات اقتصادی، تعداد نیروی کار بیکار نیز افزایش پیدا می‌کند، به همان نسبت نیز باید منتظر کاهش تعداد بیمه‌شدگانی بود که درخواست دریافت بیمه بیکاری دارند. درخواست بیمه بیکاری زمانی که با کاهش میزان پرداختی‌ها به سازمان مواجه هستیم، سازمان را با چالش پرداخت حقوق و مزایا روبه‌رو می‌کند و این مسئله نگران‌کننده است، بنابراین همان طور که گفته شد، لازم است مسیر حمایت از کسب‌وکارهای کوچک و راه‌اندازی آن‌ها تسهیل شود و در کنار آن، منابع سازمان را با تمهیدات به‌موقع و اصولی تقویت کنیم.

کارشناس حوزه رفاه

چطور فهرست بیمه‌شدگان را طولانی‌تر کنیم؟

کاهش حق بیمه، فشار به کارفرمایان به‌منظور پرداخت حقوق‌ها و دستمزدهای بالاتر – که این روزها بحث آن مطرح است – و اعطای یک سری مزایای مالیاتی و بیمه‌ای جزء این دسته از مشوق‌ها از سوی دولت به کارفرمایان است که می‌تواند، بخش بزرگی از نیروی کار را تحت پوشش سازمان تامین اجتماعی درآورده و شرایط کار را به نفع آن‌ها تغییر دهد. با این اوصاف، انگیزه حق بیمه در میان کارگران و حداقلی‌بگیران افزایش پیدا می‌کند و اعتماد نیروی کار به سازمان‌های حمایتگری مثل سازمان تامین اجتماعی افزایش پیدا می‌کند. البته در این راستا بهبود وضعیت اقتصادی و کاهش التهابات بنگاه‌ها از طریق مدیریت صحیح دولت بر پارامترهای مهمی مثل نرخ ارز، به ایجاد تغییرات مثبت در مشاغل کمک می‌کند. برای مثال، مشاغل غیررسمی کاهش پیدا خواهد کرد و درصد حقوق‌بگیران رسمی و بیمه‌شدگان نیز افزایش خواهد یافت.

کارشناس اقتصادی

دیگر نیروی کاری وجود دارد که شامل زنان، افراد معلول، همچنین کارگران مزدبگیر است. این افراد از اعتماد به‌نفس و قدرت کافی برای پیدا کردن شغل محروم‌اند. پاداش و دستمزد این افراد نه بر اساس کار ماهانه، بلکه ساعتی و بر اساس حجم فعالیت آن‌ها طی روز پرداخت می‌شود، از انجایی که این افراد از حداقلی‌بگیرها هم کمتر حقوق دریافت می‌کنند، در فهرست بیمه‌شدگان قرار نمی‌گیرند یا از ترس بیکاری و شرایطی که دارند، اصراری بر پرداخت حق بیمه ندارند. رنگ خطر فعالیت این افراد زمانی به صدا درمی‌آید که با ریزش تعداد بنگاه‌های اقتصادی، امنیت شغلی کارگران به خطر می‌افتد و به تعداد این دسته مزدبگیر افزوده می‌شود. متأسفانه این شرایط در حال حاضر تا حدودی بر اقتصاد کشور و بازار کار حاکم شده است. به بیان دیگر، بی‌ثباتی‌های اقتصادی، کارفرمایان را بیش از پیش از بستن قرارداد با نیروی کار منصرف می‌کند و گاه حتی به قیمت چشم‌پوشی کارگر از پرداخت حق بیمه

• یادداشت •

• آلبرت بغزیان •

یکی از مهم‌ترین اثراتی که شرایط ملتهب اقتصادی بر بازار کار بجای می‌گذارد، افزایش مشاغل غیررسمی و کاذب است که در آن، هیچ اثری از بیمه‌پردازی نیست و درصد مزایا و حقوق، برخلاف چارچوب‌های تعیین‌شده در سازمان تامین اجتماعی و وزارت کار است. حتی ساعت کاری افرادی که در مشاغل کاذب مشغول به کار هستند با موازین تعریف شده، هم‌خوانی ندارد، بنابراین بخشی از نیروی کار که در این مشاغل غیررسمی و کاذب مشغول به کار هستند، از چشم سازمان‌های حمایتگر پنهان باقی می‌مانند. جدا از اثرات زیان‌آوری که افزایش بی‌ثباتی‌های اقتصادی بر حاشیه مزد و حقوق این افراد بجای می‌گذارد، تحمیل شرایط سخت به آن‌ها و به خطر افتادن سلامت روان و جسم‌شان است که نگران‌کننده است. در یک سوی